

توجیه مسوولیت دولت

نویسنده: خدیجه کریمی اصفهانی (دانشجوی دکتری حقوق عمومی)

ناشر: پایگاه نشر مقالات حقوقی، حق گستر

پژوهش حاضر در نظر دارد با توجه به پیچیدگی، اهمیت و ضرورت موضوع مسوولیت مدنی دولت، ضمن ارائه تعاریفی از مفهوم مسوولیت و مسوولیت مدنی، به تعریف دولت و شخصیت حقوقی آن پرداخته و در نهایت ضرورت وجود مسوولیت برای دولت و گستره آن را تبیین نماید و از منظر عدالت توزیعی، اصلاحی و کیفری مسوولیت مدنی را مورد سنجش قرار داده و مبنای مناسب برای این مسوولیت را در نظر بگیرد و بدین ترتیب پاسخ دهد که اصلی ترین دلیل برای تحقق مسوولیت مدنی برای اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی چیست؟ و آیا اصولاً تمام اعمال دولت قابل جبران هستند و اگر نه کدام دسته را شامل می شود؟

مقدمه

پیچیدگی مفهوم دولت، آشکار تفاوت بین افراد حقوق خصوصی و حقوق عمومی را بیان می کند چرا که زیانهای وارده توسط دولت به افراد به لحاظ جنبه حاکمیتی و حمایتی از شهروندان قطعاً وسیعتر خواهد بود. مؤلفه هایی چون، حاکمیت قانون، دخالت روزافزون دولت در تمام عرصه های زندگی خصوصی افراد که لاجرم به ورود زیان های بیشتری می انجامد. اما از سوی دیگر اصل تساوی همگانی در برابر قانون دولت را نیز مانند سایر افراد مورد بازخواست و مسوول جبران خسارات خود قرار خواهد داد.

۱- مفهوم مسوولیت

از اواخر قرن ۱۲ میلادی واژه‌ی مذکور به معنای پاسخگویی نسبت به زندگی در برابر اعمال فردی - در اخلاق مذهبی رواج گرفت و این مقارن با زمانی بود که حقوق تحت تأثیر مذهب و اخلاق در شرایطی که در اروپا مذهب و اخلاق بر همه چیز و به خصوص حقوق سایه افکنده بود، در پایان قرن سیزدهم میلادی، اصطلاح "مسئول" به معنای کسی که در مقابل خداوند نسبت به زندگی و اعمالش پاسخگو است، در اخلاق مذهبی رواج یافته و سپس وارد عرصه‌ی اخلاق عرفی گردید، که در عرصه‌ی اخیر مسئول به کسی اطلاق می‌گردید که در مقابل وجدانش ملزم به پاسخگویی بود^۱ و سرانجام به کسی اطلاق می‌گردید که در مقابل دادگاه نسبت به نتایج اعمال، رفتار و تقصیرش پاسخگو است، و سپس در اواخر قرن ۱۸، وارد عرصه‌ی حقوق در اروپا شده است. در حقوق روم یکی از معانی که برای فعل مسوولیت^۲ وجود داشته، ضمان و متعهد شدن بوده است که معانی دقیق مسئولیت امروزی را دربر نداشته است انسان در مقابل اعمال و رفتار خویش مسوولیت دارد و این مسوولیت فطری است و انسان آنرا احساس میکند.^۳

هم در حقوق کامن لاوهم در حقوق نوشته برای نخستین بار واژه یادشده توسط دوسیاستمدار به نامهای نکر وهامیلتون در زمینه ((مسوولیت دولت)) به کار رفت.^۴

در زبان عربی، مسئولیت به معنای مورد بازخواست و مجازات واقع شدن به واسطه‌ی انجام کار و یا خودداری از انجام کار است^۵ که مترادف تکلیف و اهلیت می باشد.

در ترمینولوژی حقوقی - مسئولیت به معنای تعهد قانونی شخص به رفع ضرری است که به دیگری وارد کرده است خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد یا ناشی از فعالیت او.

۱- حسن بادی. فلسفه مسوولیت مدنی نشر شرکت سهامی انتشار. چاپ اول ۱۳۸۴ ص ۴-۲۳

۲-respondere

۳- علیرضایزدانیان. حقوق مدنی قواعد مسوولیت مدنی جلد اول نشر میزان چاپ اول ۱۳۸۴ ص ۳۹

۴- حسن بادی. پیشین ص ۲۶

۵- محمدنقی مصباح یزدی. - فلسفه‌ی اخلاق- شرکت چاپ و نشر بین‌الملل - چاپ اول- بهار ۱۳۸۱ - ص ۱۴۰-۱۳۸

۱-۱ مفهوم مسئولیت مدنی

در ترمینولوژی حقوقی، مسئولیت مدنی به معنای مسئولیت در مقام خسارتی که شخص و (یا کسیکه تحت مراقبت یا اداره شخص است یا اشیاء تحت حراست وی) به دیگری وارد می‌کند و همچنین مسئولیت شخص بر اثر تخلف از انجام تعهدات ناشی از قرارداد مسئولیت مدنی در مقابل مسئولیت کیفری استعمال می‌شود.^۶

مسئولیت مدنی فردی مبنایی است که به موجب آن هر کس که موجب خسارت دیگری شده خود مسئول جبران خسارت است یا متبوع او ضامن خسارت است و این افراد هستند که ضامن خسارت یکدیگر هستند و از درآمد خود خسارات را پرداخت می‌کنند و نه از وجوه عمومی.^۷

مسئولیت در معنای عام و وسیع خود، عبارت است از الزام به جبران ضرر اعم از اینکه منشأ ضرر وقایع حقوقی باشد یا اعمال حقوقی که در این معنا شامل مسئولیت قراردادی و قهری خواهد بود.^۸ پس هرگونه تعهدی که قانون بر عهده شخص قرار داده باشد تا زیان وارده به دیگری را جبران کند اعم از آنکه ریشه قراردادی داشته یا نداشته باشد.

وینفیلد حقوقدان مکتب کامن لا، استاد دانشگاه کمبریج که کتب وی در زمینه‌ی مسئولیت مدنی بسیار مشهور است، در کتاب راهنمای حقوق آکسفورد می‌نویسد: «مسئولیت مدنی ناشی از نقض تکلیفی است که ابتدائاً توسط قانون مقرر شده است؛ چنین تکلیفی در مقابل اشخاص بطور کلی است و نقض آن از طریق اقامه‌ی دعوا برای مطالبه‌ی خسارات تقدیم نشده قابل جبران است»^۹

«مسئولیت مدنی عبارت است از مسئولیتی که بر عهده شخص قرار می‌گیرد تا خسارت وارد شده‌ی ناشی از عمل خود به دیگری یا عمل اشخاص یا اشیای تحت سلطه‌ی وی را جبران کند»

۶- محمدجعفر جعفری لنگرودی. پیشین - ص ۶۴۵

۷- محمدجعفر جعفری لنگرودی پیشین، ص ۶۴۵

۸- علیرضایزدانیان. همان ص ۴۹

۹- کتاب راهنمای حقوقی آکسفورد ۱۹۸۷

در واژه‌نامه‌ی حقوقی مؤسسه‌ی هنری کاپیتان^{۱۰}، مسئولیت مدنی به این صورت تعریف شده است. «بطور کلی هر نوع تعهدی است که برای عامل فعل زیانبار (یا اشخاص تعیین شده توسط قانون) بوجود می‌آید تا ضرر وارد شده به زیان‌دیده را که ناشی از عمل نامشروع مدنی است (اعم از اینکه دارای جنبه کیفری باشد یا نه) غالباً به شکل پرداخت مبلغی پول به عنوان خسارت جبران کند. یکی از حقوق‌دانان نیز در کتاب فلسفه‌ی مسئولیت مدنی می‌گوید: «مسئولیت مدنی ترکیبی از ارزش‌های مختلف مربوط به سودمندی اجتماعی و اصول اخلاقی است» وی معتقد است اهداف مسئولیت مدنی متعدد است و جبران خسارت، بازدارندگی، درونی کردن هزینه‌های خارجی فعالیت‌های زیانبار، توزیع ضرر، مجازات - تسلی خاطر زیان‌دیده- ایجاد صلح و امنیت در جامعه -همگی در زمره این اهداف می‌باشند بنابراین پذیرش اینکه مسئولیت مدنی تنها برای برقراری عدالت صوری در رابطه طرفین با تحقق عدالت توزیعی است و شرط تحقق آن تقصیر است و تنها هدف آن جبران خسارت و بازدارندگی است منطبق با واقع نیست^{۱۱} به نوعی بر وقوع مسئولیت بدون تقصیر نیز اعتقاد دارد.

در نظام‌های مختلف رویکردهای متفاوتی نسبت به مسئله‌ی مسئولیت و علی‌الخصوص مسئولیت مدنی وجود دارد. به عنوان مثال در نظام کثرت‌گرا مسئولیت مدنی حوزه خاص و اصل کلی تلقی نمی‌شد (در این نظامها حوزه اختصاصی تحت عنوان مسوولیت مدنی وجود ندارد) مسوولیت مدنی جزیی از حقوق جزا تلقی می‌گردد که در صورتی که شخص مرتکب جرمی شود، با احراز شرایطی مجبور به جبران خسارت نیز می‌باشد.^{۱۲} برعکس در نظام وحدت‌گرا اصل کلی «مسئولیت مدنی» به عنوان قاعده‌ای مستقل مورد پذیرش قرار گرفت و جبران هر نوع خسارتی مستقلاً در آن در نظر گرفته شد^{۱۳} که از آن جمله می‌توان به قانون مدنی کشور فرانسه اشاره نمود که در ماده ۱۳۸۲ خود قاعده‌ی کلی و عقلانی برای مسئولیت مدنی وضع کرد و تقصیر را موجد آن دانست. اما در

۱۰- فرهنگ حقوقی کاپیتان ۱۹۸۹ ص ۷۷۱ به نقل از حسن بادینی

۱۱- حسن بادینی فلسفه مسوولیت مدنی، ص ۴۶.

^{۱۲} http://www.aftabir.com/articles/view/applied_sciences/management/c12c1187175332p1.php

^{۱۳} <http://www.drkatouzian.blogfa.com/post-33.aspx>

نظام بینابینی به نوعی کثرت‌گرایی محدود روی آورده و اصولی خاص را برای مسئولیت مدنی شخص عنوان نمودند.

در حقوق اسلام و ایران، با توجه به عدم وجود قاعده‌ای مستقل و کلی تحت عنوان مسئولیت مدنی و یا قاعده‌ای عمومی برای جبران خسارت و تنها وجود ضمان قهری که عناصر موجود آن عبارت از اتلاف و تسبیب و غرور و غضب و تعدی و تفریط است، و قواعد خاص در زیان‌های بدنی از جمله دیه و قصاص که دارای شرایط خاص است، می‌توان نظام اسلام را جزو نظام‌های کثرت‌گرا دانست.

۲- مفهوم عام دولت

دولت^{۱۴} در لغت به معنای نیکبختی، سعادت، ثروت و مال است.

چنانکه در فرهنگ معین به معنای گذشتن از حالی به حالی، گروهی که بر مملکت حکومت می‌کنند، مملکت، قوه مجریه^{۱۵} می‌باشد.

اما این واژه به دلیل کلیت مفهوم آن دارای معانی متعددی در حوزه‌های مختلف می‌باشد و دارای آنچنان اختلاطی با مفاهیمی چون حقوق است که که برخی معتقدند که نمی‌توان تقدم و تأخری بین حقوق و دولت در نظر گرفت و در قوانین به اعتبار جامعیت و وسعت و یا محدودیت اقتدارات حاکمیت در معانی و مفاهیم متفاوتی بکار رفته است.

دولت را می‌توان یک نظام کلی و انتزاعی دانست که معرف تمامیت سیاسی، اجتماعی یک کشور و تجلی انتزاعی واقعی اقتدار است و یا به تعبیری نظام کلی سیاسی اجتماعی.

کلی سیاسی اجتماعی.

state-۱۴-۱

۱۵- محمد معین- فرهنگ فارسی معین یک جلدی- نشر اشجع- چاپ سوم- بهار ۱۳۷۸- ص ۵۵۳.

در اصطلاح ترمینولوژی حقوقی (حقوق عمومی و حقوق عام ملل) اولاً: جمعیتی از افراد که در خاک معینی زندگی می‌کنند و تابع یک قدرت عمومی هستند. که در این معنا دولت دارای شخصیت حقوقی در حقوق عمومی می‌باشند.^{۱۶}

ثانیاً: گاهی نیزواژه دولت به معنای هیأت وزرا نیز بکار می‌رود که منظور لایه سیاسی کشور یا رده های فوقانی سیاسی نظیر نخست وزیرویا در نظامهای ریاستی رییس جمهور است.^{۱۷}

ثالثاً: بعضی مجموعه‌ی عمال دولت هم در استعمالات دیده در حقوق اساسی مراد از دولت مجموع قوای عالیه حاکم بر کشور است که با اداره ملت زمام امور اساسی مملکت را بدست گرفته خط مشی نظام و تمامیت ارضی کشور و استقرار امنیت داخلی و خارجی را بر عهده گرفته و دارای وظایف خاص است.^{۱۸}

در این رسته، دولت به مفهوم نهادهای، گسترده ترین کلیتی است که هم میدانگاه حقوق اساسی وهم موضوع بررسی ان است. جامعه سیاسی سازمان یافته ونهادبندی شده و دارای شخصیت مشخص ومتمایز از عنهصر ترکیبی خود^{۱۹}

همچنین ماده پ کنوانسیون مونتهویدئو راجع به حقوق و تکالیف دولت مورخ ۱۹۳۳ دولت را با مشخصات زیر تعریف می‌کند:

دولت به عنوان تابع حقوق بین‌الملل باید دارای شرایط زیر باشد:

۱- جمعیت دایمی ۲- سرزمین معین ۳- حکومت ۴- حاکمیت (توانایی برقراری روابط با سایر کشورها)

۱۶- محمدجعفر جعفری لنگرودی، پیشین، ص ۳۱۴.

۱۷- ابوالفضل قاضی، بایسته های حقوق اساسی، نشر دادگستر، چاپ سوم بهار ۱۳۸۲، ص ۴-۵۳.

۱۸- محمدجعفر جعفری لنگرودی پیشین ص ۳۱۴.

۱۹- سید نصرالله صدر الحفاظی، نظارت قضایی بر اعمال دولت در دیوان عدالت اداری نشر شهریار ۱۳۸۲- ص ۴-۱۲۳.

۲۰- ابوالفضل قاضی، پیشین ص ۵۴.

دولت را می‌توان مترادف یک نظام سیاسی، مملکت و یا هیأت وزیران دانست. می‌شود^{۲۰}

۱- ۲ ماهیت دولت

علاوه بر تعریف دولت، اندیشه‌های مهم سیاسی در مورد ماهیت آن وجود دارد. دولت از دید ماکیاولی، سازمانی است دارای سرزمین که به کمک قدرتی که پایه‌ریزی کرده از نیروی الزام و اقتدار در درون سرزمین خود بهره می‌گیرد و به واسطه‌ی آن قادر به ادامه‌ی حیات می‌باشد.^{۲۱}

ماهیت دولت در برخی از متون حقوقی به معنای قدرت موجود نیز دارای کاربرد است تا جایی که دولت را مترادف با گروه اجتماعی می‌دانند که دارای قواعد و نظامات مخصوصی است که امتیاز انحصاری آن تحمیل اراده خود بر دیگران از طریق اجبار مادی است یعنی دارای قدرت سیاسی می‌باشد.^{۲۲}

ماهیت دولت: دولت از دیدگاه حقوقی را می‌توان به قدرت سازمان یافته حقوقی به منظور اجرای علامت و انجام خدمات عمومی تعبیر نمود که لازمه‌ی تشکیل آن اجتماع مردمی با هدف مشترک در یک سرزمین و شکل‌گیری سیاسی یک دولت است که به معنای ایجاد یک کشور می‌باشد وصف بارز آن قدرت سازمان یافته حقوقی است و مفهوم دولت در هر جامعه موافق با نظام سیاسی آن جامعه می‌باشد.^{۲۳}

اندیشمندان مختلف در باب ماهیت دولت نظریه وجود یا عدم وجود آن سخنان بسیاری گفته‌اند تا جایی که برخی وجود دولت را ضرورتی انکارناپذیر دانسته و آن را لازمه‌ی اجرای عدالت می‌دانند - برخی مانند فاشیسم دولت را مظهر آرمان‌های ملی تلقی می‌نامند و معتقدند وجود مستقل را نمی‌توان در مقابل دولت یافت و جامعه‌ی بدون دولت میدان مبارزه خصوصی افراد است که تصور هیچ حقی در آن امکان‌پذیر نیست.

۲۱- بیژن عباسی- مقاله ماهیت دولت- نشریه‌ی حقوق اساسی- سال ششم، تابستان ۸۸ شماره ۱۱

۲۲- حسینی بشیری.ه. نظریه دولت

۲۳- ناصر کاتوزیان - مبانی حقوق عمومی - چاپ اول پاییز ۱۳۸۳. نشر میزان ص ۲۲۳

در وجود شخصیت حقوقی برای دولت تردیدی وجود ندارد چرا که دولت نیز مانند سایر اشخاص حقوقی دیگر، دارای اموال، حقوق و تکالیف است - چنانکه شخصیت حقوقی به گروهی از افراد انسان یا منفعتی از منافع عمومی که قوانین موضوعه آن را در حکم شخص طبیعی و موضوع حقوق و تکالیف قرار داده است مانند شرکت وقف و دولت که شخص حقوقی موضوع هر حق و تکلیفی است جز آن چه که اختصاص به طبیعت انسان دارد^{۲۴}.

دولت بزرگترین شخصیت حقوق عمومی تلقی می‌گردد.

مشکل از جایی ناشی می‌شود که خطا یا تقصیر که اصلی‌ترین مبنای مسئولیت مدنی دولت است در صورتی قابل تحقق است که ذهن در خطا باشد یا همانگونه که در حقوق جزا بیان می‌گردد، قصد مجرمانه وجود داشته باشد. و رفتار تقصیرآمیز رفتاری است که با سهل‌انگاری، بی‌مبالاتی و اشتباه همراه باشد حال آنکه چنین صفات و تعاریفی فقط قابل انتساب به اشخاص حقیقی است.

دولت نیز مفهومی انتزاعی است. یعنی دارای ابعاد خارجی نیست مفهومی است ساخته و پرداخته‌ی ذهن که به حکم قانون دارای شخصیت گردیده است پس انتساب عمل خطایی که قصد مجرمانه در آن وجود دارد چگونه ممکن است؟

حال اگر این معیار را در نظر داشته باشیم، برای دولت ملاک متعارف بودن رفتار را چگونه می‌توان تعریف کرد؟ اگر بخواهیم ملاک را عرف بدانیم و متعارف بودن را با توجه به عرف تعریف کنیم، باید گفت در حقوق عمومی ملاک قانون است و نه عرف و در قانون نیز تعریفی از متعارف بودن وجود ندارد و عرف نهایتاً دارای نقشی فرعی است.

پس چگونه می‌توان خروج از رفتار متعارف و فرض بی‌مبالاتی و یا قصد انجام خطا را به دولت که شخصیتی انتزاعی است نسبت داد و به همین جهت به طور فیزیکی، امکان ارتکاب یک عمل و در نتیجه یک خطا در معنا و به شکلی که برای اشخاص حقیقی متصور است، ندارد.^{۲۵}

به همین واسطه، در ارائه‌ی تحلیل دقیق و موشکافانه به این امر پی می‌بریم که شخصیت حقوقی دولت، متشکل از شخصیت عوامل انسانی شاغل در آن است. معنی شخصیت حقیقی کارگزاران در شخصیت حقوقی دولت منحل شده است بگونه‌ای که خطای ارتكابی و اشتباه و قصد خطاکارانه‌ی عوامل را در مجموع می‌توان منجر به ارتکاب تقصیر دولت و نهایتاً مسئولیت او دانست. زیرا که شخصیت حقوقی از خود دارای اراده نیست و تنها اراده کارگزاران منجر به وقوع تقصیر وی خواهد بود و از سوی دیگر خطای کارمند نیز بجز در موارد ارتکاب عمدی فعل زیانبار در واقع ناشی از نقایصی است که در عملکرد دولت وجود داشته است و هرگاه از این رهگذر زبانی به افراد وارد آورد، باید از عهده جبران آن برآید.

بطور کلی دو نوع عمل را می‌توان برای دولت تصور نمود که از مهمترین عملکرد دولت، عمل حاکمیتی دولت است که شامل صلاحیت انحصاری و غیر قابل تفویض و غیرقابل اعراض دولت اطلاق می‌باشد که به دولت اختیار انجام امور خاصی را که در توان افراد عادی نیست می‌دهد و از اختیار اعمال حاکمیت خود در این خصوص استفاده می‌کند و در مقابل اعمال تصدی‌گری دولت است که فصل مشترک عملکرد دولت و سایر اشخاص حقوق خصوصی است که در این مقام دولت به انجام اموری مانند معامله، و ... می‌پردازد و برتری نسبت به سایر اشخاص ندارد.

در این بحث آنچه دارای اهمیت است آنکه در کدام دسته از اعمال می‌توان مسئولیت مدنی برای دولت تصور نمود؟ آیا امکان تحقق تقصیر در اعمال حاکمیتی هم وجود دارد و یا تقصیر دولت خاص تصدی‌گری دولت است؟

^{۲۵} - مشتاق زرگوش - مسئولیت مدنی دولت - قواعد عمومی - جلد دوم - مبانی و اصول - نشر میزان - چاپ اول - پاییز ۱۳۸۹ ص ۳۹-۴۰

در خصوص اعمال تصدی گری، چون دولت در حوزه‌ی آن مانند سایر افراد عمل می‌کند، به یقین قرار دادن مسئولیت در مقابل عملکردش، امری حتمی و قطعی است. برخی دلیل وقوع این مسئولیت را برای دولت ناشی از نفع دولت در این خصوص می‌دانند. یعنی دولت در اعمال تصدی خود مانند سایر اشخاص به دنبال کسب منافع خود می‌باشد. پس بایستی خسارتهایی را که در رده کسب این منافع به افراد وارد می‌کند پذیرا باشد.

در اندیشه‌های قبلی حاکمیت و اقتدار دولت تنها راه ایجاد مصونیت برای دولت‌ها تلقی می‌شد. یعنی حاکمیت و بویژه در دوران مونوکراسی برای دولت‌ها ایجاد مصونیت در قبال هرگونه خطایی می‌نمود اما رفته رفته این نظریه قوت گرفت که میان مسئولیت دولت و حاکمیت آن تعارضی وجود ندارد، زیرا که اقتدار دولت برای پایداری و حمایت دولت از حق است و در مواردی پاسداری از حق مستلزم، الزام دولت به جبران خسارت عوامل خود است.^{۲۶}

در یک نگاه منطقی باید برای اعمال حاکمیتی دولت قایل به تفکیک شد چرا که این اعمال دارای ماهیت‌های متفاوتند. در نظام‌های مختلف دنیا، اصل بر آن است که دولت فاقد هرگونه مسئولیتی نسبت به عمل قانونگذاری است – در اعمالی مانند قضاوت و یا اجرا، تفاوت‌هایی در نظام‌های مختلف دیده می‌شود در بیشتر نظام‌ها طرفدار مسئولیت دولت در این خصوصند که چنانکه قانون اساسی ایران در اصل ۱۷۱ مسئولیت دولت در امر قضاوت را پذیرفته است. یعنی علی‌رغم اینکه قضاوت جزو اعمال حاکمیتی است، باز هم دولت دارای مسئولیت است و نه مصونیت.

۲-۲: ضرورت و علل افزایش مداخله دولت در زندگی کنونی

از زمانی که پادشاهان مظهر اراده الهی دانسته می‌شدند و مصون از هرگونه خطایی تلقی می‌شدند و به اصطلاح «پادشاه نمی‌تواند مرتکب خطا شود»^{۲۷} تا امروز که نقش دولت‌ها از شکل دولت‌های ناظم به دولت‌های رفاه و

^{۲۶} -مشتاق زرگوش - همان ص ۲۰۲

^{۲۷} -The king can not do wrong

خدمتگزار تغییر یافته است، از تفکر مصونیت دولت نیز کاسته شده است. دولت‌های ناظم تنها نظم دهندگان جامعه قلمداد می‌شدند که تنها وظیفه‌ی خود را ایجاد نظم داخلی، خارجی، کشور گشایی، گرفتن خراج از رعایا می‌دانستند اما به تدریج نقش و جایگاه دولت‌ها به دولت‌های رفاه، خدمتگزار و غیره تغییر یافت.

دولت رفاه ساز و کار تأمینی است که شرایط زندگی را آسان ساخته، جریان فزاینده خطرات احتمالی پیرامون زندگی و آثار زیانبار روانی را کاهش می‌دهد.

در دولت ناظم حفاظت از تمامیت ارضی و استقلال – برقراری امنیت داخلی – مجازات مجرمین – حفاظت از مالکیت خصوصی . دولت ناظم دولت حداقلی بود که این وظایف را برعهده داشت .

دولت رفاه برای گسترش خدمات عمومی اوایل قرن ۲۰ در جهان پدیدار گردیدند . تمام امکانات و ابزارها از جمله بهداشت و ... را برعهده گرفت . اموال عمومی زیاد شد دولتهای رفاه سه کار اصلی بر عهده گرفتند :

۱- بزرگترین کارفرما

۲- بزرگترین مالک

۳- بزرگترین تولیدکننده کالا و خدمات

دولت رفاه در تمام مسائل مردم دخالت دارد و حتی برای کوچکترین مورد از هزینه های عمومی استفاده می کند.^{۲۸}

دولت خدمتگزار دولتی است که مقام مشروعیت خود را ناشی از ارائه ی خدمات عمومی به شهروندان می داند و در رقابت بین دولت ها دولتی موفق تر و دارای محبوبیت و مشروعیت بیشتر تلقی می شود که خدمات عمومی، رفاهی بیشتری ارائه دهد.

در راستای ارائه ی خدمات هر چه بیشتر، شهروندان مجبور به واگذاری قسمت اعظم حقوق خود به دولت ها می باشند – و دولت ها می گویند با وضع قوانین در زمینه های مختلف امنیت، نظم و آرامش بیشتری را برای اتباع خود فراهم آورده و خدمات بیشتری به شهروندان ارائه خواهند داد، و در مقابل انتظار شهروندان نیز از دولت ها رو به افزایش است.

امروزه محدوده ی حقوق عمومی در حال افزایش است و دولت یا حقوق عمومی در همه ی ارکان زندگی افراد داخل شده و وضع قانون نموده است از لحظه ی تولد، تا زمان مرگ افراد ناگزیر به رعایت قوانین موضوعه خواهند بود – قوانین کار، استخدامی، ثبتی، املاک، اداری بر تمام وجوه زندگی سایه گسترانیده که در مقابل دولت ها حمایت های خود را از افراد افزایش داده و همواره می کوشند. با ایجاد اندیشه ی برابرگرایانه قوانین وضع کنند تا همگان در برابر قانون یکسان بوده و نهایتاً نظام تأمین اجتماعی گسترده ای ایجاد کنند

در این روند برخی از دولت ها معتقد به وجود اقتصاد سرمایه گذاری آزاد و سپردن آن به دست بخش خصوصی هستند و برخی دیگر برعکس اعتقاد دارند که اقتصاد بایستی ابزاری در دست دولت برای ایجاد نظم و رفاه اجتماعی باشد.

حال به واسطه‌ی افزایش روزافزون دخالت‌های دولت امکان تحقق و ورود ضرر به افراد بیشتر خواهد بود زیرا که هر قدر محدوده‌ی عملکرد فعالیت‌های شخصی گسترده‌تر باشند، امکان ورود زیان و تحقق مسئولیت برای دولت بیشتر خواهد بود.

دولت‌های ناظم دولت‌ها کمتر وارد محدوده‌ی خصوصی افراد می‌شدند و همین عدم دخالت خود به نوعی آن‌ها پرهیز از ورود ضرر و ایجاد مسئولیت بود، اما در دولت خدمتگزاری که مرتباً در زندگی خصوصی افراد وارد می‌شود، عدم جبران خسارت و مسئول ندانستن دولت، خسارت‌های بسیاری را بدون جبرانی باقی خواهد گذاشت - وظایف و تعهدات دولت در صورتی که دولت مسئول حفظ جان و مال و حیثیت سایر حقوق طبیعی و آزادی‌های افراد جامعه می‌باشد و از حاکمیت خود در جهت تأمین نیازمندی‌های عمومی از قبیل مسکن، بهداشت، آموزش و پرورش، ایجاد بازار کار و اشتغال و ... غیره استفاده می‌کند و در بسط و گسترش عدالت می‌کوشد. بنابراین نباید اقدامات خود را محل و مضیق کننده این حقوق نماید.

۳- تئوریهای مسئولیت مدنی

در خصوص تئوریهای حاکم بر مسئولیت دولت و اینکه چه دلیل برای پذیرش مسئولیت توسط دولت وجود دارد، تئوریهای مختلفی وجود دارد. که در این گفتارها به نگرش‌های اقتصادی و عدالت بنیان به عنوان اصلی‌ترین نگرش‌ها در زمینه‌ی مبانی مسئولیت مدنی دولت اشاره می‌کنیم که در زیرمجموعه‌ی خود عدالت اصلاحی، عدالت توزیعی (در نگرش عدالت بنیان) عدالت کیفری و تئوری‌های اقتصادی (در نگرش اقتصادی) را دربر دارند.

۱-۳: تئوری عدالت اصلاحی^{۲۹} (ترمیمی)

^{۲۹}-Commutative justice-

مفهوم عدالت در تاریخ اجتماعات بشری به عنوان یک ارزش یاد می شده است. افلاطون در کتاب ((جمهوریت)) عدالت را آرمانی می داند که تنها تربیت یافتگان دامن فلسفه به آن دسترسی دارند و به یاری تجربه و حس نمی توان به آن رسید.^{۳۰}

در تئوری عدالت اصلاحی: مبنای مسئولیت مدنی دولت، بازگرداندن زیان دیده به وضعیت فرضی پیش از وقوع زیان است. یعنی بازگرداندن وضعیت زیان دیده به حالتی که اگر زیان نبود، او هم اکنون در آن جایگاه قرار نداشت. به عبارت دیگر، بعد از ورود زیان و انتقال منابع حد وسط نخستین (برابری) از بین می رود و الزام وارد کننده زیان به جبران خسارت زیان دیده باعث برقراری عدالت می گردد و حد وسط دوباره به حالت اول بر می گردد. این عدالت بدون توجه به تناسب استحقاق، ارزش خاص و موقعیت اجتماعی افراد در صدد، تنها بر مبنای برابری در صدد برقراری عدالت است.^{۳۱}

عدالت اصلاحی - جهت گیری جامعه در جهت اصلاح هر نوع عدم توازن و اعاده به وضعیت مطلوب که نهایتاً به عدالت توزیعی می انجامد.

ارسطو و پس کانت از عمده ترین طرفداران این نظریه محسوب می شوند.

ارسطو عدالت اصلاحی را حد وسط این نفع و ضرر می داند - عدالت اصلاحی بیان می کند که در روابط افراد با یکدیگر چه چیزی عادلانه است اما این قسم از عدالت بدون شناخت عدالت توزیعی امکان پذیر نیست.^{۳۲}

- در نظریه ی ارسطو هنگامی که بین فعل زیانبار و ضرر رابطه ی سببیت وجود دارد که انسان در انجام کاری مختار باشد «رابطه سببیت = اختیار است».

۳۰- افلاطون، جمهوری. ترجمه مشایخی رضا، تهران: کانون انتشارات معرفت، ۱۳۶۳، ص ۵۴

۳۱- حسن بادی نی. همان ص ۹۱

۳۲- حسن بادی نی - همان - ص ۹۲

از اینرو ارسطو را می‌توان در زمره اندیشمندانی دانست که سهمی در ایجاد مسئولیت مدنی برای اشخاص در برابر زبانی که به دیگران وارد می‌کنند، دارد وی اعتقاد راسخ دارد که عدالت تنها از طریق الزام وارد کننده زیان به جبران خسارت ممکن است و مقابله به مثل را برخلاف فیثاغورثیان با عدالت اصلاحی سازگار نمی‌داند.^{۳۳}

برخی معتقدند در نظریات ارسطو در خصوص عدالت اصلاحی، هم تقصیر عمدی و هم غیرعمدی از موجبات تکلیف وارد کننده زیان به جبران خسارت است که از آن به مسئولیت محض یاد می‌شود و برخی نظریات وی را مغایر مسئولیت محض و تنها براساس رابطه‌ی سببیت می‌دانند – همچنین در طرحی که کلمن ارائه داد عنوان نمود که این طرح در فرضی که خسارت زیانده بوسیله‌ی فردی غیر از وارد کننده‌ی زیاد جبران گردد، (طرح‌های جبران خسارت بدون تقصیر) وارد عمل می‌شود.^{۳۴}

۲-۳: عدالت توزیعی^{۳۵}

ازوظایف اصلی هر دولت آن است که باید در برآورده کردن نیازهای شهروندان در پی خیر عموم باشد و منفعت عمومی را گام نخست وقانون اول خود قرار دهد.^{۳۶} در طرح عدالت توزیعی، نفع عمومی در نظر است. به نظر ارسطو مهمترین کارکرد دولت این است که مشخص نماید چه چیزی به نفع عموم است. و چه چیزی عادلانه؟ در عدالت توزیعی باید ببینیم انسان به عنوان جزیی از جامعه‌ی سیاسی مستحق چه چیزی است. که عبارتست از برابری نسبت‌ها و عدل، در این قسم در عدالت تناسب استحقاقی افراد در نظر گرفته می‌شود. و بی‌عدالتی در دارایی هنگامی رخ می‌دهد که فردی از معیارها تخطی نموده، کمتر یا بیشتر از سهم خود را داشته باشد. در این حالت هرگاه کسی بیشتر از سهم خود را داشته باشد، خواه به اشتباه یا عمد، دیگران این حق را خواهند داشت تا

۳۳. ارسطا (ارسطو) - اخلاق نیکو ماخیس - جلد اول - ترجمه ابوالقاسم پورحسینی - مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم - تابستان ۱۳۸۱.
-James.Gordely.tort law inthe Aristotelian Tradition.IN philosophical Foundations of tort lawUEdition ۳۴-
by David G.Owen.Clarendon press.oxford.first published1995.
35-Distributive Justic

37-هارت هریرت، ازادی اخلاق قانون (درامدی بر فلسفه حقوق کی‌فری عمومی) (ترجمه محمد راسخ‌پهران طرح نو، ۱۳۸۸) ص ۹

به استناد عدالت توزیعی آن را مطالبه نمایند. پس عدالت توزیعی تابعی است از مسئولیت مطلق و کامل که در آن اثبات هیچگونه فعلی یا حتی رابطه‌ی سببیت لزومی ندارد.

در مقابل نظریات فوق، برخی معتقد به تئوری ابزارگرا هستند - از این منظر نگاهی ابزارگرایانه به مسئله‌ی مسئولیت مدنی انجام گرفته است (کارآمدی - مدیریت صحیح منابع عمومی) مسئولیت مدنی به مثابه ابزاری برای نیل به برخی ارزش‌هاست (نگرش سیاسی - اقتصادی) به حداکثر رساندن رفاه اجتماعی اندیشه‌ای است که بیش از هر چیز مدنظر قرار می‌گیرد. در این اندیشه قاعده‌ای که برحسب نتایج آن برای بهبود زندگی بشر سودمند است، درست (حق) تلقی می‌شود که در آن کارآمدی اقتصادی و بازدارندگی شاخصه‌ی اصلی محسوب می‌گردد که این دو از عوامل موجود در عدالت اصلاحی نیز می‌باشند^{۳۷}. و به دلیل همین این دو عامل از مبانی مسئولیت مدنی می‌باشند در عوض برخی نیز معتقدند که مسئولیت مدنی به واسطه‌ی کلیت خود نمی‌تواند مبنای واحدی داشته باشد ولی عدالت اصلاحی، در میان سایر مبناها، بهترین توجیه برای این مقوله می‌باشد^{۳۸}.

یکی از حقوق‌دانان انگلیسی بنام «تام کانفرد» در کتاب خود به تبیین نظریه‌ی مسئولیت مدنی می‌پردازد و چهار نظریه‌ی: عدالت اصلاحی، حاکمیت قانون، استحقاق و برابری در مقابل هزینه‌های عمومی را به عنوان مبانی مسئولیت مدنی دولت مطرح کرده است. در عدالت توزیعی هرکس باید سهم مناسب خود را دریافت نماید و در گستره حقوق بشری، بازگوکننده و موجه کننده دخالت دولت در بازپخش ثروتها و منابع و توجیه کننده حقوق بنیادین و اساسی سیاسی شهروندان است.^{۳۹}

۳-۳: عدالت کیفری^{۴۰}

37-Richard A. Epstein. Defencees and subsequent Pleas in a system of strict liability. Oxford journal of legal studies. vol.3. 1974p187-207

38-Carol Harlow. Discretionary power and governmental liability. Oxford(UK) council of Europe publishing 1995

ص ۱۱.

۳۹

۴۰ Retibutive Justice

تمدن بشر از دیرباز در اندیشه اجرای عدالت از طریق مجازات مجرمین بوده است. این عدالت در پی تدیل وضعیت پیش آمده بر اثر ارتکاب جرم است.

اندیشمندان چون استار کوبر گسوندر صد دتوجیه مسوولیت مدنی از دیدگاه **((عدالت مکافاتی))** و معتقدند کسی که به دیگران ضرر ریوارد میاورد و حقوق و منافعی را از زیر پامیگذاردمستحق مجازات است و الزاماً دارد که دهنده زیان به جبران خسارتی که نوع مجازات و جزو مقتضیات عدالت کیفری است

در واقع عدالت اقتضای دارد که هوار دکننده زیان از بهر میماثر فعل زیان بار خود بپردازد و این خود مجازات امر تکب است
برای الزام امر تکب است

این اندیشه تنها از جنبه هوار دکننده زیان به مسوولیت مدنی نگاه نمی کند و تنها مجازات و جریمه هوارتوجیه نمی نماید
اما دلایل این امر را که هوار دکننده زیان باید خسارت زیان دهنده را جبران کند
در این حوزه از عدالت تا حد زیادی به اختلاط و ورود مباحث کیفری در حوزه مسوولیت مدنی پرداخته میشود و این در حالی است که در مسوولیت مدنی، برخلاف مسوولیت کیفری، باید به حقوق زیان دیده نیز توجه نمود. به همین دلیل در حقوق جزا شروع به جرم، در بسیاری از موارد جرم محسوب میشود، درحالی که در مسوولیت مدنی شروع به خطا، بدون آنکه به کسی زیانی وارد شود، دارای ضمانت اجرا نیست. یعنی درحالی که حقوق جزا با خد در رفتار در ارتباط است، ارتباط مسوولیت مدنی با آثار رفتار است.

اگر مسوولیت مدنی برپایه عدالت کیفری استوار باشد، لازم است مبلغی که خوانده در دعوای مسوولیت مدنی به پرداخت آن محکوم می شود تنها جزای نددی باشد که به صندوق دولت واریز می گردد و دولتی ندارد به زیان دیده پرداختی انجام گیرد که در لین صورت نیز زیان زیان دیده بلا جبران باقی ماند که مسلماً با ساختار برقراری عدالت در جامعه منافات خواهد داشت و به همین دلیل مسوولیت مدنی از طریق عدالت کیفری قابل توجیه نمی نماید.

ماحصل بحث

آنچه ماحصل مطالب گفته شده در باب مبانی مسئولیت دولت است اینکه مسئولیت مدنی دولت دارای مبانی واحدی نیست تا بتوان با تکیه‌ی صرف بر آن همه‌ی موارد را توجیه نمود، عدالت اصلاحی وقتی می‌تواند بهترین مبنا برای مسئولیت مدنی دولت تلقی گردد که هدف از مسئولیت مدنی دولت تنها جبران خسارت زیان‌دیده و رکن پایدار آن تقصیر باشد. حال آنکه، نه جبران خسارت تنها هدف مسئولیت مدنی دولت است زیرا اگر چنین بود «اثبات سببیت» بین فعل زیانبار و دولت را نمی‌بایست از وظایف زیان‌دیده تلقی می‌نمود و همچنین تحقق مسئولیت مدنی در همه موارد، نیاز به اثبات تقصیر ندارد و بخش قابل توجه از مسئولیت دولت شامل مسئولیت بدون تقصیر وی است که در نوشتار حاضر به بحث پیرامون آن خواهیم پرداخت.

آنچه دارای اهمیت است اینکه هرچند در نگاه اول، نتیجه‌ی حاصله از مسئولیت دولت و قواعد حاکم بر آن تنها به سود زیان‌دیده است اما در واقع این مقوله امری است دو سویه که قانونگذار در وضع قوانین حاکم بر مسئولیت دولت تنها به زیان‌دیده نیندیشیده بلکه از صرف هزینه برای این امر منافع بلندمدت یا کوتاه مدت دولت کارگزارانش را مدنظر قرار داده است.

به واسطه‌ی اهمیت و ضرورت مبحث مسئولیت مدنی دولت و تقدم آن بر مسئولیت بدون تقصیر ابتدائاً به توضیح مبانی مسئولیت مدنی دولت خواهیم پرداخت تا فرآیند شکل‌گیری و ضرورت ایجاد مسئولیت بدون تقصیر بهتر در ذهن تداعی گردد

کتابنامه

- ۱- ابوالحمد عبدالحمید- تحولات حقوق خصوصی - زیر نظر دکتر ناصر کاتوزیان - انتشارات دانشگاه تهران - چاپ سوم ۱۳۷۱
- ۲- احمد ادریس - عوض فیض - علیرضا , چاپ سوم , تهران , انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۸۳
- ۳- ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت - تهران - شرکت انتشارات علمی و فرهنگی - چاپ چهارم ۱۳۸۱
- ۴- ارسطو (ارسطا طالیس) اخلاق نیکو ماخس، جلد اول - ترجمه سید ابوالقاسم پورحسینی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران - چاپ دوم - ۱۳۸۱
- ۵- استوار سنگری کورش - مقاله مفهوم دولت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نشریه ی حقوق اساسی - سال ششم - تابستان ۱۳۸۸ شماره ۱۱
- ۶- افلاطون , جمهوریت , ترجمه ی رضا مشایخی , کانون انتشارات معرفت , چاپ پنجم , ۱۳۶۳
- ۷- امامی محمد- کورش استوارسنگری - حقوق اداری - جلد اول - تهران - میزان ۱۳۸۶

- ۸- بابایی ایرج - بررسی عنصر خطا در حقوق مسئولیت مدنی - مجله‌ی پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۷، ۱۳۸۱
- ۹- بادینی حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۴
- ۱۰- باریکلو علیرضا، مسئولیت مدنی، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۵
- ۱۱- بشیریه حسین، آموزش دانش سیاسی مبانی علم سیاست نظری و تاسیسی، تهران، نشر نگاه معاصر، چاپ ۱۳۸۳
- ۱۲- بوشهری جعفر، مسایل حقوق اساسی، تهران دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۶
- ۱۳- توجهی عبد العلی - اندیشه حمایت از بزه دیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران در علوم جنایی - مجموعه مقالات در تحلیل از استاد محمد آشوری - تهران - سمت - چاپ اول ۱۳۸۳
- ۱۴- ژوردن پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه‌ی مجید ادیب، چاپ دوم، نشر میزان، ۱۳۸۵
- ۱۵- جعفری لنگرودی محمد جعفر - ترمینولوژی حقوقی - انتشارات گنج دانش - چاپ اول ۱۳۷۸
- ۱۶- حاجی عزیزی بیژن- روش‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی، دو ماهنامه علمی پژوهشی، دانشگاه شاهد، شماره 36.
- ۱۷- حسینی نژاد حسینقلی - مسئولیت مدنی - تهران - جهاد دانشگاهی - دانشگاه شهید بهشتی - چاپ اول ۱۳۷۰
- ۱۸- روسو شارل، حقوق بین‌الملل عمومی - ترجمه محمدعلی حکمت - تهران - دانشکده تهران - چاپ اول ۱۳۴۷
- زرگوش مشتاق - محمد امامی، اصل قانونی بودن مسئولیت مدنی دولت - پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی مازندران، سال دوم - شماره ۷ - ۱۳۸۶
- ۱۹- زرگوش مشتاق، مقاله‌ی تقصیر در مسئولیت مدنی دولت - مطالعه تحلیلی تطبیقی مجله تحقیقات حقوقی - دو فصلنامه علمی و پژوهش شماره ۴۹ - ۱۳۸۸

۲۰- زرگوش مشتاق - مسئولیت مدنی دولت - قواعد عمومی - جلد اول و دوم - مبانی و اصول

نشر میزان - چاپ اول پاییز ۱۳۸۹

۲۱- سیفی سید جمال - مقاله مسئولیت مدنی دولت در رویه قضایی - مجله تحقیقات حقوقی شماره ۸،
۱۳۸۴

۲۲- شارل روسو ، حقوق بین الملل عمومی - ترجمه محمدعلی حکمت - تهران - دانشکده تهران - چاپ
اول ۱۳۴۷

۲۳- صدالحفاظیسید نصرالله - نظارت قضایی بر اعمال دولت در دیوان عدالت اداری - تهران - شهریار -
چاپ اول ۱۳۷۳

۲۴- طباطبایی مؤتمنی منوچهر - حقوق اداری - چاپ پنجم - تهران - سمت ۱۳۷۸

۲۵- عباسی بیژن ، مقاله ماهیت دوات ، نشریه ی حقوق اساسی ، سال ششم ، تابستان ۱۳۸۸ ، شماره ۱۱

۲۶- غمامی مجید - مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود - تهران دادگستر - چاپ اول -
۱۳۷۶

قاسم زادهسید مرتضی - مبانی مسئولیت مدنی - تهران چاپ سوم، ۱۳۸۵

۲۷- قاضی شریعت پناهی ابوالفضل - با یسته های حقوق اساسی - تهران - دادگستر - چاپ دوازدهم
۱۳۸۲

۲۸- کاتوزیان ناصر - حقوق مدنی - ضمان قهری - مسئولیت مدنی - تهران - دانشگاه تهران - چاپ اول
۱۳۷۴

کاتوزیانناصر - الزامهای خارج از قرارداد - جلد اول - مسئولیت مدنی - انتشارات تهران - چاپ سوم
۱۳۷۸

۲۹- مصباح یزدی - محمدتقی - فلسفه ی اخلاق - شرکت چاپ و نشر بین الملل - چاپ اول - بهار ۱۳۸۱

۳۰- مدنیسیدجلال الدین - حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران - انتشار پایدار -
چاپ ششم ۱۳۸۵

۳۱- معین محمد - فرهنگ فارسی یک جلدی - چاپ سوم انتشارات اشجع، ۱۳۷۷

۳۲- مونتسکیو روح القوانين ، ترجمه علی اکبر مهتدی ، چاپ هشتم ، تهران ، انتشارات امیرکبیر ، ۱۳۶۲

- ۳۳- موسویان ابوالفضل- ماهیت حق- تهران - مسئولیت چاپ و نشر عروج - چ اول - ۱۳۸۲
- ۳۴- موسی زاده رضا , بایسته های حقوق بین الملل عمومی , نشر میزان , چاپ چهارم , ۱۳۸۵
- ۳۵- وینسنت آندره , نظریه های دولت - ترجمه حسین شیریه - تهران - نشر نی, چاپ چهارم ۱۳۸۳
- ۳۶- هاشمی سید محمد - حقوق اساسی - جلد دوم - تهران - دادگستر - چاپ پنجم ۱۳۸۰
- ۳۷- یزدانیان علیرضا , حقوق مدنی قواعد مسئولیت مدنی , جلد اول , نشر میزان , چاپ اول , ۱۳۸۶
- 38- هارت هربرت , آزادی اخلاق قانون (درامدی بر فلسفه حقوق کیفری عمومی) (ترجمه محمد راسخ, تهران طرح نو, ۱۳۸۸
- 39--Richard A.epstein.Defencees and subsequent Pleas in a system o fstrict liability.Oxford jornal of legalstudies .vol3.1974
- 40-Carol Harlow .;Discratory power and governmental liability .Oxford(UK)council of Europe publishing1995
- 1-James.Gordely.tort law inthe Aristotelian Tradition.IN philosophical ۴ Foundations of tort lawUEdition by David G.Owen.Clarendon press.oxford.first published1995
- http://www.aftabir.com/articles/view/applied_sciences/management/c12c/1187175332p1.php

<http://www.drkatouzian.blogfa.com/post-33.aspx>

